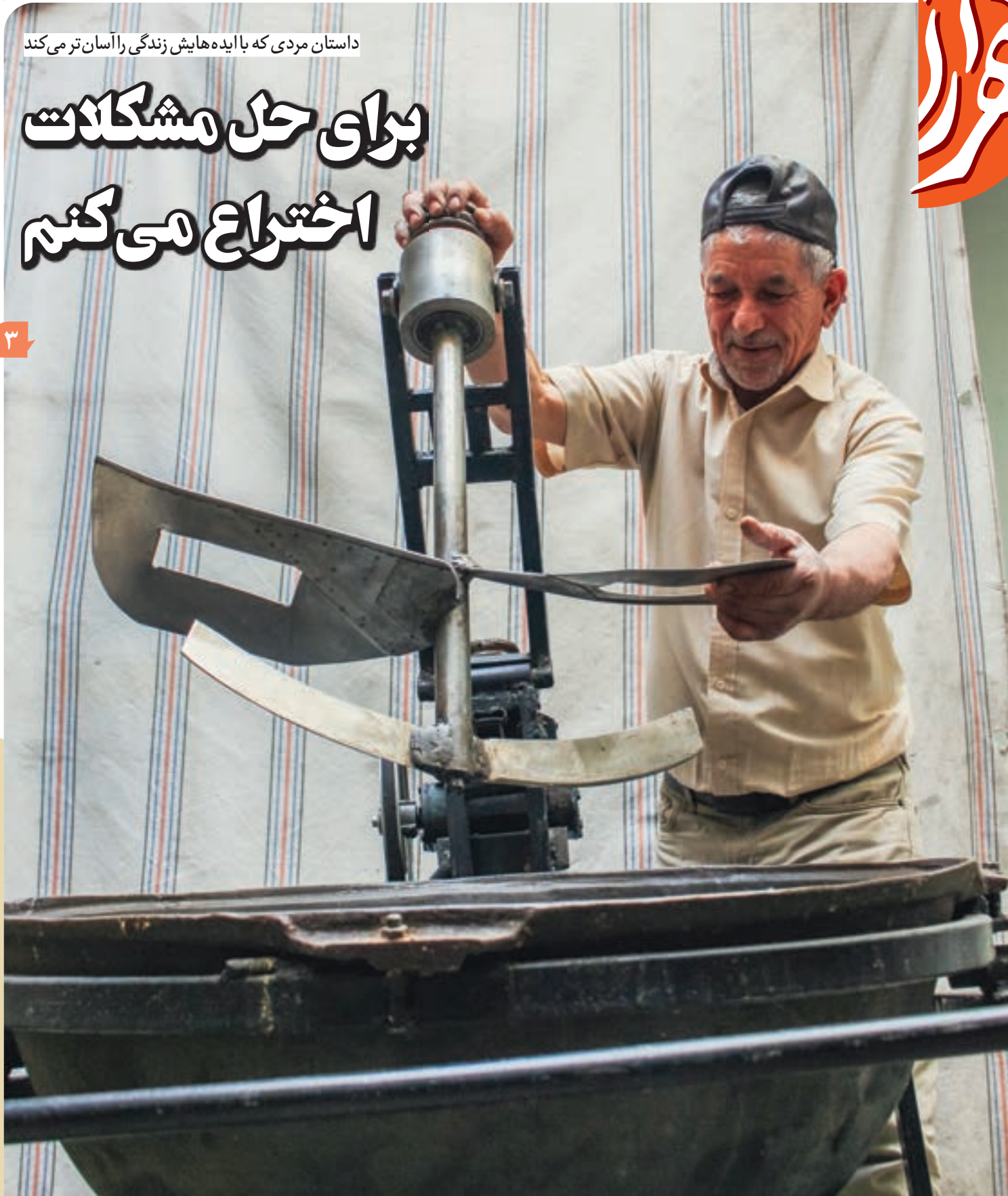




داستان مردی که با ایده هایش زندگی را آسان تر می کند

برای حل مشکلات اختراع می کنم

۳



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

منطقه ثامن به استقبال بهار می رود

عملیات استقبال از بهار با آماده سازی بسترهای گل کاری و باغچه ها، المان ها و فلاورباکس های بهاری و همچنین اقدامات تکمیلی در بوستان ها و معابر اصلی در منطقه ثامن آغاز شده است. معاون فنی و اجرایی منطقه ثامن گفت: با نزدیک شدن به فصل بهار، مجموعه ای از اقدامات تخصصی برای بهسازی باغچه ها و آماده سازی بسترهای کاشت در حال اجراست. کامران توتونچی با اشاره به اینکه حدود ۱۵۰ فلاورباکس ویژه کاشت گل های فصلی آماده شده و ۱۲۰ المان بهاری نیز در حال آماده سازی و جانمایی در نقاط مختلف منطقه است، افزود: شست و شو و نظافت پایه چراغ ها و مبلمان بوستان ها، رنگ آمیزی عمودهای روشنایی و حفر چال کود درختان برای تقویت ریشه و آماده سازی به منظور تغذیه بهار نیز در دستور کار قرار دارد.



شهر خبر



۳

ساکن محله بالاخیابان، شاهد تیر خوردن همسایه شان در روزهای انقلاب اسلامی بود
شهادت در صف نفت

۴

اهالی محله بالاخیابان جشن انقلاب و نیمه شعبان را با هم گرمی داشتند
خیابانی زیر باران، دل هایی پر از انتظار

شهرداری منطقه ثامن به گلایه کسبه طبرسی جنوبی ۸ مبنی بر آب‌گرفتگی معبر پاسخ داد

تراز آسفالت در انتظار اعتبار

هم قدم

فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن، صحبت می‌کنیم. او با تأیید این موضوع می‌گوید: این محدوده جزو بافت فرسوده و عرض معابر آن، بسیار کم است. ما نمی‌توانیم بدون جمع‌آوری کامل آسفالت قدیمی، روکش جدید اجرا کنیم؛ زیرا در این صورت، سطح معبر بالاتر می‌آید و آب به جای هدایت به چاه، وارد مغازه‌ها می‌شود.

باغدار حسینی با اشاره به تجربه اصلاح معابر مجاور توضیح می‌دهد: امسال ورودی‌های طبرسی ۴ و ۶ با هماهنگی خود کسبه اصلاح شد. آسفالت قدیمی به طور کامل جمع‌آوری و روکش جدید اجرا شد، اما در محدوده مسجد محراب خان، به دلیل اجاره‌ای بودن مغازه‌ها و ممکن نبودن مسدودسازی چندروزه مسیر به خاطر اجاره‌بهاهای زیاد، اجرای کار به تعویق افتاده است. این مسئول با بیان اینکه برای آسفالت منطقه، موافقت نامه‌ای به مبلغ حدود ۵ میلیارد تومان از معاونت اخذ شده، اما این اعتبار هنوز به منطقه ابلاغ نشده است، می‌افزاید: در صورت تخصیص اعتبار، جمع‌آوری آسفالت فرسوده در دستور کار قرار می‌گیرد و آسفالت جدید اجرا می‌شود. برخی معابر با دستگاه‌های مکانیزه آسفالت می‌شوند و در کوچه‌های فرعی که امکان ورود ماشین‌آلات سنگین وجود ندارد، عملیات روکش آسفالت به صورت دستی انجام خواهد شد تا همه معابر از این وضعیت خارج شوند.

او با اشاره به زمان بندی پروژه تأکید می‌کند: این طرح هم‌اکنون روی سایت بارگذاری شده و پیش‌بینی مالی آن است که حداکثر تا یک ماه آینده، عملیات اجرایی شروع خواهد شد.

این کاسب قدیمی اضافه می‌کند: انتهای همین طبرسی جنوبی ۸ را با بلوکه سیمانی مسدود کردند که هر چو و مرج زیادی در بازار به وجود آورده است. اتفاقاً بخش زیادی از تجمع آب هم از قسمت بلوکه هاست.

قاسم روحی، خادم مسجد محراب خان نیز بخشی از آسفالت را که گود شده است، نشان می‌دهد و می‌گوید: کسبه این محل مقید هستند که موقع نماز به همین مسجد قدیمی بیایند اما شیب کوچه طوری است که با کوچک‌ترین بارندگی، جلوی مسجد آب جمع می‌شود و نمازگزاران برای رفت و آمد مشکل پیدا می‌کنند.

● وعده آغاز سنگ‌فرش تا یک ماه آینده

برای طرح مشکل، با محمد حسین باغدار حسینی، رئیس اداره



سمیرا شاهیان اتراز نبودن شیب آسفالت در محدوده طبرسی جنوبی ۸، مقابل مسجد محراب خان، به یکی از دغدغه‌های کسبه و ساکنان این محدوده، تبدیل شده است. مشکل آسفالت که مانند بسیاری از مناطق شهر در روزهای بارندگی بیش از همیشه خود را نشان می‌دهد، هربار سبب تجمع آب و سختی رفت و آمد و به دردتان کسبه می‌شود.

● شیب کوچه، آب را به سمت مسجد می‌فرستد

مهدی حاج باقری، یکی از کسبه نوغان که پانزده سال است مغازه نقره جات دارد، می‌گوید: مقابل کوچه‌های طبرسی ۸ و ۱۰ قبلاً به میدان طبرسی معروف بوده است. در همین کوچه‌های منتهی به میدان، به خاطر شیب نامناسب و فرسودگی آسفالت، در زمان برف و باران، آب‌گرفتگی شدیدی اتفاق می‌افتد. زمستان‌ها ما مجبوریم با پارو و جارو، آب را از سطح معبر جمع کنیم تا مسیر رفت و آمد مردم باز شود.

در بازدید میدانی انجام شده به ویژه داخل کوچه طبرسی ۸ و مقابل مسجد محراب خان، دیگر کسبه از همین مشکل گلایه دارند. محمد نجاتی که بیست سال، سابقه حضور در بازار نوغان را دارد، می‌گوید: عرض این کوچه در امتداد بازار نوغان خیلی کم است. قرار بود این بازار قدیمی و هویتی مشهد هم سنگ‌فرش شود، ولی متأسفانه به این موضوع توجهی نشده است.

ساکن محله بالاخیابان، شاهد تیر خوردن همسایه‌شان در روزهای انقلاب اسلامی بود

شهادت در صف نفت

صندوق خاطرات



نفتی بود. این شعبه‌ها معمولاً مغازه‌های کوچکی سر بعضی خانه‌ها بودند و آن زمان، مردم به آن‌ها خیلی هم احتیاج داشتند. زمستان ۵۷، برف سنگینی آمده بود. هوا هم خیلی سرد بود.

● یکی مثل خودمان شهید شد

ساکن محله بالاخیابان دنباله خاطره‌اش را می‌گیرد و می‌گوید: آن روز مردم در صف ایستاده بودند تا نفت بگیرند. ماهم خودجوش، بدون اینکه کسی بالای سرمان باشد، کمک می‌کردیم نظم صف به هم نخورد؛ مثلاً پیرمردی را جلو می‌بردیم یا خواصمان

سمیرا شاهیان از مستان ۵۷، زمستان عجیبی بود؛ هم سرد، هم در بحبوحه انقلاب. آن روزها، مهدی اردکانی، ده‌یازده ساله بود. با اینکه سن و سالش اجازه نمی‌داد درک دقیقی از شرایط داشته باشد، تصویر آن روزها برایش پررنگ است. او در این صندوقچه خاطرات، شهادت یکی از نوجوانان هم‌محله‌ای‌اش، شهید محمد حسین راد، مرد ضعیف، را روایت می‌کند: شهید نوجوانی که تصویر محوش در کنار تصاویر دیگر شهدای انقلاب در مسجد حجت (ع) قرار دارد.

● شاهد عینی در صف نفت

بچه محل‌های مسجد حجت (ع) بودند؛ همان حوالی چهارراه زربینه و از سرعلاقه، به پایگاه بسیج محل رفت و آمد داشتند. آقا مهدی می‌گوید: رفت و آمد ما به مسجد حجت و پایگاه شهید چمران زیاد بود. کارمان کار بزرگ تره نبود؛ بیشتر تدارکات را به ما می‌سپردند. مثلاً در مراسم مسجد، جای می‌دادیم؛ همان قدر که سنان اجازه می‌داد. همان طور که گذشته را مرور می‌کند، خانه پدری‌اش را به یاد می‌آورد: نزدیک مسجد حجت ساکن بودیم و پدرم هم نزدیک چهارراه شهدا مغازه میلمان داشت؛ از همان‌هایی که جهیزیه عروس می‌فروختند. نزدیک خانه ما، شعبه دقیقاً نبش کوچه آیت... بهجت ۲۳، شعبه



بود کسی جان‌زند. همسایه‌مان، حسین راد، هم آنجا بود. یادم می‌آید فضا ناگهان عوض شد. شلوغی‌ها از سمت باغ ملی در چهارراه شهدا شروع شد. رویه روی باغ نادری، نیروی پاسداری (سازمان مقاومت ملی) مستقر بود؛ جایی که حالا هتل شده است. انقلابی‌های ما خواستند آنجا را تصرف کنند و نیروهای آنجا هم برای مقابله تیر زدند. هنوز هم صدای آن شلیک در گوشم مانده است. اردکانی با هیجان آن روزهای آن می‌کند: همه چیز در هم ریخت. متأسفانه حسین تیر خورد و در جاش شهید شد. ماهم ما بچه بودیم؛ معنای دقیق شهادت را نمی‌فهمیدیم و دیدن آن شرایط سخت بود. یک‌هوادیدیم حسین شهید شد. هر سال که در این محله قدم می‌کشیدیم، سرمای زمستان با یاد و خاطره شهادت حسین بر ایمان بیشتری می‌شد. از آن روز به بعد، هربار که از آنجا رد می‌شدم، یاد آن صف نفت، آن شلیک، و صورت معصوم حسین می‌افتادم.

برای حل مشکلات اختراع می‌کنم

زهراسحاقی ادریکی از کوچه‌های خیابان شهید کامیاب محله بالاخیابان از کنار یک ماشین مدل سال ۶۰ که قبراق و سرپاست، می‌گذریم و زنگ در منزل محمد خدادادی را می‌زنیم. برخلاف درهای معمولی خانه‌ها، در به صورت کشویی بازمی‌شود که به گفته همسایه‌ها ساختش کار صاحب خانه است. محمد آقا که استواری اش گردپیروی رابه سخره گرفته است، لبخند زنان به داخل دعوتمان می‌کند. دیگ برقی مخصوص حلوا که گوشه حیاط جا خوش کرده شنیده‌های مادر باره مخترع بودن آقا محمد را تأیید می‌کند.

● گاواهن در کودکی؛ اولین تجربه خلاقیت

محمد خدادادی تولیدکننده دریچه‌های آلومینیومی کولر است و به گفته خودش، جزو اولین نفراتی است که این دریچه‌ها را سال ۷۱ در مشهد تولید کرده است. او اختراعات بسیاری در طول عمرش داشته است؛ اولین اختراعش را در دهه سالگی و تهیه گاواهنی برای کارهای کشاورزی پدرش معرفی می‌کند و می‌گوید: هفتاد سال دارم و شمار ساخته‌هایم را از دست داده‌ام، اما به طور میانگین، ماهی یک یاد و وسیله ساخته‌ام. ایده ساخت وسایل هم از نیازهای روزمره به ذهنم می‌رسد. محمد آقا در دهه سالگی متوجه شد که برای شخم زدن زمین پدر، چوب وصل شده به حیوان فقط خط روی زمین می‌اندازد و خاک را شخم نمی‌زند. او با میل گرد داغ شده، قطعه‌ای به چوب وصل می‌کند و اولین اختراعش، یک گاواهن، را می‌سازد که به راحتی خاک را جابه‌جا می‌کند. این تجربه، پایه خلاقیت و نگاه کاربردی او به رفع مشکلات روزمره بود و نشان می‌دهد محمد آقا از همان کودکی به فکر راه حل‌های عملی برای مسائل پیرامونش بوده است.

● تولیدکننده دریچه‌های آلومینیومی در مشهد

محمد خدادادی که از کودکی حس کنجکاوی و تلاش برای تولید در وجودش جوانه زد، می‌گوید تا اول راهنمایی بیشتر درس نخوانده و پدرش را در دوازده سالگی از دست داده است. شغلش را که مربوط به قالب سازی قطعات صنعتی است، با شاگردی شروع و بعد از چند سال، در سال ۱۳۷۱ زیرزمینی را اجاره و پس از کار مداوم، ۱۰ سال بعد، همان زمین را خریداری کرد؛ کارگاهی که اکنون سال‌هاست در آن به تولید قطعات مختلف می‌پردازد. او در ابتدا دریچه‌های فلزی می‌ساخته است و کم‌کم به تولید دریچه‌های آلومینیومی و دریچه‌های هوا ساز کولر در بیمارستان‌ها و

هتل‌های پردازد. هتل‌ها، بیمارستان قائم (عج)، کارخانه خودروسازی نیشابور و کارخانه داروسازی فریمان از جمله مشتریان او هستند. محمد آقا توجه به صنعت قالب سازی در ایران را یکی از راه‌های پیشرفت کشور می‌داند و علاوه بر پسرهای خودش چندین شاگرد را هم تا مرحله استادکاری آموزش داده است. خدادادی هیچ یک از کارهایش را به ثبت نرسانده است؛ بارها برای ساخت قطعات صنعتی فراخوانده شده و بی هیچ چشمداشتی به رفع مشکلات پرداخته است. حتی به دیگران اجازه داده از وسایل ساخته شده توسط او استفاده کنند و در صورت نیاز آن‌ها را راهنمایی کرده تا وسایلی را که می‌خواهند، بسازند. علاوه بر

همکاران و صاحبان صنایع، همسایه‌ها و فامیل نیز از دست به خیر بودن محمد آقا بهره برده‌اند. از کارهای بزرگ او می‌توان به ساخت ۲ هزار و ۸۰۰ دریچه آلومینیومی برای کولرهای مصلاي بزرگ تهران، همکاری در آشپزخانه حرم برای برطرف کردن مشکل قطعات تجهیزات آشپزی، ساخت دریچه‌های مخصوص کارخانه داروسازی فریمان و همکاری با بسیاری از پروژه‌های بزرگ مشهد و همچنین سرپا کردن صفر تا صد جیب مربوط به جنگ جهانی دوم ساخت آمریکا اشاره کرد.

● صندلی نماز، کمکی به آرامش و سلامت

یکی دیگر از اختراعات محمد آقا، صندلی نماز سبک و قابل حمل است که به کمک افراد پیر و بیمار می‌آید. این صندلی مانند ربات عمل می‌کند: هنگام نشستن و بلند شدن به بدن فشار وارد نمی‌کند و آرام آرام خم می‌شود تا زانوهای آسیب‌نبینند. ایده ساخت آن زمانی به ذهنش رسید که همسرش با درد پا روبه‌رو شد و نشستن طولانی در حرم برای او مشکل ایجاد می‌کرد. محمد آقا با نگاه کاربردی خود، وسیله‌ای ساخت که برای عبادت و راحتی انسان‌ها مفید باشد و به راحتی بتوان آن را حمل کرد. فاطمه اکبری، همسر محمد خدادادی، درباره صندلی نماز می‌گوید: محمد آقا وقتی دیدم در حرم و خانه به دلیل پادرد و مشکلات کمر و زانو به سختی می‌توانم روی صندلی بنشینم، تصمیم گرفت صندلی‌ای بسازد که سبک، قابل حمل و راحت باشد. این صندلی کمک می‌کند آرام بنشینم و بدون فشار به زانو بلند شوم. او ادامه می‌دهد: من همیشه کنار او بودم و می‌دیدم چطور برای حل مشکلات کوچک و بزرگ، از رویاهای ساده تا اختراعات کاربردی، فکر می‌کند و دست به کار می‌شود. صندلی نماز فقط یک وسیله نیست؛ کمکی واقعی برای زندگی روزمره است و نشان می‌دهد محمد آقا همیشه به اطرافیان‌ش فکر می‌کند. محمد خدادادی و همسرش زندگی موفقی دارند؛ فرزندان سر به راه و موفق در کار و زندگی. او با برنامه‌ریزی دقیق و توجه به وقت، همیشه تلاش کرده است کارهایش را به گونه‌ای مدیریت کند که بتواند بعد از پایان گفت‌وگو، محمد آقا به همسرش می‌گوید: «آماده باش که قرارمان برای زیارت دیرتر نشود». این جمله، نشان می‌دهد که در کنار همه اختراعات و دستاوردهای صنعتی، ارتباط با خانواده و معنویت در زندگی او نقش مهمی دارد.

● دیگ برقی حلوا؛ اختراعی برای روضه‌ها

از آخرین اختراعات محمد آقا، دیگ برقی حلواست. سال گذشته، هنگام آماده کردن حلوا برای چهارشنبه آخر ماه محرم، محمد آقا مشاهده کرد که همه خسته شده و خودش و نوه‌اش تنها مانده‌اند؛ بنابراین تصمیم گرفت این دیگ را بسازد. این دیگ مجهز به پایه استیل برای جلوگیری از لرزش، موتور کولر باد و دور، گیربکس ماشین و پنج کمچه هم زمان برای هم زدن حلواست. این اختراع به محمد آقا و همسرش اجازه می‌دهد بدون نگرانی، دیگ را روشن کنند و خودشان به کارهای دیگر بپردازند. یکی دیگر از علایق محمد آقا سرپا کردن ماشین‌های قدیمی است. او با پسرانش، چند جیب مربوط به جنگ جهانی دوم را که پیش از آن کسی نتوانسته بود سرپا کند، بازسازی کرده‌اند. او تمام اتاق ماشین را پایین آورده، سیم‌کشی، صافکاری، نقاشی و تهیه قطعاتی مانند چراغ‌ها را انجام می‌دهد و جیب رابه حرکت درمی‌آورد. این پروژه نشان دهنده دقت و همت او در بازسازی و مهندسی کاربردی است.



مجلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

اهالی محله بالاخیابان، جشن انقلاب و نیمه شعبان را با هم گرمی داشتند

خیابانی زیر باران، دل‌هایی پر از انتظار



در سوی دیگر، غرفه سلامت حال و هوای متفاوتی داشت. دستگاه فشار خون و دفتر ثبت اطلاعات، توجه مراجعه‌کنندگان را جلب کرده بود. به گفته سید مهدی مرجانی، دبیر کانون سلامت که میان مراجعه‌کنندگان رفت و آمد می‌کرد، «سلامت مردم، پایه وحدت محله است».

باران همچنان می‌بارید، اما کسی عجله‌ای برای رفتن نداشت. نور غرفه‌ها، صدای مولودی و خنده کودکان، خیابان ایران منتظر رازنده نگه داشته بود. زهرامرجعی، مسافری از شهرستان درگز، زیر سایبان غرفه به شلوغی نگاه می‌کرد. او گفت: در این شرایط، دیدن این همه امید و شادی، آدم را دلگرم می‌کند.

از غرفه سلامت و پذیرایی گرفته تا بازی و نقاشی کودکان، همه چیز نشان می‌داد مردم این محله، باران را بهانه‌ای برای کنار هم بودن می‌دانند؛ شبی که خیابان ایران منتظر، بایمان، شادی و انتظار، به صحنه‌ای از همدلی و امید تبدیل شد.

نمی‌شد. می‌گفت: می‌خواستیم مردم بدانند این شب هافقط جشن نیست، یادآوری امید و انتظار است.

در میان شلوغی، فرمانده پایگاه بسیج شهید مجید عسکری، لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت: از سرکشی به غرفه‌ها تا صحبت با مردم. علیرضا غفوریان گفت: هرکسی با هنرش آمده است، یکی خطاطی، یکی مداحی، یکی پذیرایی. این یعنی همدلی.

کمی آن طرف‌تر، بخارچای داغ از لیوان هادر هوای سرد بالامی‌رفت و لبخند روی لب‌های نشست. معصومه جلالی که چای می‌ریخت، می‌گفت: به نیابت از شهدای میهنم، برای رفع تشنگی هم وطنانم، چای می‌ریزم و گرمابخش حضورشان در این شب بارانی هستم.

● باران، ایمان و امید

غرفه بازی «PS»، یکی از بخش‌های شلوغ جشن بود. نوجوان هادور مانیتور جمع شده و منتظر نوبتشان بودند. کمی آن طرف‌تر، غرفه نقاشی، پراز کودکانی بود که روی صندلی‌های کوچک نشسته بودند. عبا... زوار که به همراه همسر و فرزندان آمده بود، گفت: اینجا برای خانواده‌ها خیلی خوب است. هم بچه‌ها سرگرم می‌شوند و مطلبی یاد می‌گیرند، هم فضای مذهبی و انقلابی دارد.

مهدی افتاده باران ریز و سردی که از عصر شروع شده بود، نتوانست شور خیابان ایران منتظر را خاموش کند. کاپشن‌های خیس و بخار نفس هادر هوای سرد، تصویر متفاوتی از شب جشن ساخته بود. صدای مولودی، لایه‌لای شریشر باران می‌پیچید و خانواده‌ها با حس و حالی متفاوت، وارد مسیر جشن می‌شدند. این برنامه با مشارکت اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ثامن و همراهی پایگاه‌های مردمی بسیج از جمله پایگاه بسیج شهید مجید طهوریان عسکری و همکاری تکیه علی اکبری هابرگزار شده بود و محدود و روبه‌روی تکیه علی اکبری هادر «خیابان ایران منتظر» را در بر می‌گرفت. در امتداد خیابان، غرفه‌ها ردیف شده بودند: پذیرایی، بازی کودک، نقاشی، سواد رسانه‌ای، سلامت و سرگرمی نوجوانان، بخار لیوان‌های چای در هوای پیچید و بوی فلافل گرم، رهگذران را به سمت خود می‌کشاند.

● پشت صحنه همدلی و هم‌افزایی

کنار سیستم صوت، محمد مهدی ایزی مشغول تنظیم صدا بود. هوا بسیار سرد و سوزناک بود. اما نگاه محمد مهدی از دستگاه جدا

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۴۲۶۱۹۱۳ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.



● ورزش و تفریح در فضای معنوی

مسجد حاج آخوند در محله پایین خیابان در ایام مبارک دهه فجر، میزبان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس محله بود. در جلسه قرآن این هفته مسجد، علاوه بر نوجوانان مسجدی محله، دانش‌آموزانی از مدارس جوادیه و حسین زاده نیز دعوت شدند و پس از قرائت قرآن به بازی‌های هدف‌زنی و پینت‌بال در فضای شاد و معنوی مسجد پرداختند.



● خانواده سالم با کسب آگاهی

بانوان محله پایین خیابان برای شناخت بهتر چالش‌های زندگی مشترک و همچنین برخورد شایسته و توأم با احترام با فرزندان خود در جلساتی آموزشی که از سوی اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه و به همت نمایندگان بانوان در شورای اجتماعی محله‌شان برگزار شد، شرکت کردند. در این جلسات، مربی کلاس آموزشی، زهرایاقری، طی سه هفته پیاپی بعد از ورزش صبحگاهی در سالن ورزشی خیابان رضوان حضور یافت و در هر جلسه، پس از بیان موضوعات لازم، با پرسش و پاسخ به مسائلی که بانوان در زندگی خانوادگی با آن‌ها روبه‌رو هستند، پرداخت.

● در جشن ما شریک باشید

نجمه موسوی، گروه جهادی «شهید باکری» و کانون فرهنگی «راه روشن»، دهه فجر امسال را در روستای حاشیه‌ای دهرود جشن گرفتند. این جشن که با هدف ایجاد فضای مطالبه‌گری از مسئولان و همچنین مشارکت نوجوانان روستا در جشن‌های بزرگ انقلاب و نیمه شعبان برگزار شد، در کنار مداحی و سخنرانی روشنگرانه، با برنامه‌هایی همچون مسابقه‌های متنوع و سرودهای شاد و پرانرژی، زیباتر شد. به گفته ابوالفضل خیراندیش، مسئول این گروه جهادی در محله بالاخیابان، در این برنامه، چهل کارت هدیه به برندگان مسابقات و افرادی که نام مبارک حضرت مهدی (عج) را داشتند، اهدا شد.



● دختران ثامنی، پای کار حق

پویش «دختران پای کار حق» در مدارس دخترانه منطقه ثامن برگزار شد. در این پویش، دختران با سلیقه و خوش ذوق محلات بالاخیابان و پایین خیابان با آماده کردن بسته‌های زیبا از نقاشی، دست‌نویس یا کار دستی‌های خود، در راهپیمایی ۲۲ بهمن حضور یافتند و آن‌ها را به دوستان هم‌سن و سال خود هدیه کردند.

